

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۰۵ جون ۲۰۲۵



محمد آصف فقیری

حکومتداری در اسلام یا از اسلام؟

در دین اسلام عزیز، تکالیف اخلاقی بالای حکومتداری از مبانی اسلام وضع شده است – که تا زمانی این تکالیف در قانون توسط قانون گذاران ساختار ساز نگردد، فقط در حد اخلاق و نصایح می باشد. پس منظور ما از حکومتداری از اسلام، تکریم منابع اسلامی در تصویب قوانین می باشد. که ساختار و ماهیت حکومتداری به اساس عقلانیت چون حاکمیت قانون نتیجه مطلوب داده است. یعنی حکومتداری در اسلام در ساختار معینه نیست. بلکه حکومتداری از اسلام به اساس عقلانیت و مدرنیته به سوی اهداف مطلوب، چون خدمات عامه و آزادی فردی تا آزادی های عمومی، نیازمند سیر ذهنیت سازی شهروندی، از بستر های جامعه است. که در ذیل استدلالات بیشتری خدمت تان ارائه می دهیم:

• **سیرت النبی:** حضرت محمد(ص) برای به دست آوردن تخت شاهی ابو سفیان، زمامدار وقت مبارزه نمی کرد، در حالی که ابو سفیان با جمعی از کابینه خود، نزد کاکای رسول(ص) پیشنهاد دولت، زر و زن برای محمد(ص) می دهد، تا آنحضرت(ص) از مبارزه خود، همانا دعوت و تبلیغ دست بردارد - که در شرایط کنونی و به خصوص در افغانستان، دین و منابع دین، به هدف تصاحب قدرت، به عکس حضرت محمد(ص) استفاده ابزار می گردد.

• **خلفای راشدین:** سنت و سیرت خلفای راشدین در تفسیر منابع اسلامی، برای ما ارزش است – اما تاریخ سیاسی عربستان، از هزاران سال قبل از خلفای راشدین، تا زمان ظهور اسلام و از خلفای راشدین تا دوره مدرنیته و دیپلماسی به جای جنگ و تا اکنون که محمد بن سلمان ولیعهد می باشد، تاریخ سیاسی عربستان است. که برای سایر کشورهای اسلامی تکلیف اخلاقی دینی و الگوی حکومتداری نیست.

• **دولت پدیده مدرن:** در صورتی که دولتداری در اسلام ساختار معین می داشت، بدعت را نمی پذیرفت. که از زمان خلفای راشدین تا دوره عثمانی، نظر به زمان و مکان حکومتداری و دولتداری در پسوند و یا پیشوند اسلام، بدعت

پذیر و در تنوع بوده – زیرا عقل و عقلانیت در حکمت دولتمداری همه روزه با وسایل و ذهنیت هائی روبه روست که روزافزون و جدید اند – و جایگاه دین در مقابل پدیده های مدرنیت، فقط در تثبیت حلال و حرام می باشد.

در نتیجه و افغانستان:

از مبانی معنا و حکمت: لیبرالیسم، فمینیسم حقوقی، سکولاریسم سیاسی، شایسته سالاری و آزادی بیان و انتخابات و غیره... با منابع اسلامی وحدت مفهومی دارد – که مشکل، رویکرد نقلگرایانه در مقابل روشنفکری دینی است. که برای حل معضله باید، باب مذاکره وحی شناسی را باز کرد:

وحی حکمت و معنا چون انرژی روحی در ذات و بصیرت حضرت محمد(ص) به غایت دانائی رسیده، بعد در متون و الفاظ عربی بیرون شده است. پس ما قرآن در زبان عربی پدید شده از وحی داریم، حالا وحی چیست؟ وحی خفی و جلی: نور یا معنا بدون الفاظ، زیرا الله چون بشر برای ارتباط با برگزیده نیاز به حروف نوشتاری ندارد. و نباید خدا را چون انسان شخصیت داد. یعنی وحی الهی و ذات نبوی، محور معرفت شناسائی وحی بوده – که حکمت و مفسر الازمانی قرآن نیز، از سیر عرفانی، برای راه حل معضلات در هر نسل و زمان، توسط حکما و عرفا نسخه داده می شود. که روشنفکری دینی می توان در عصر، در باب سیاست برای جمهوری سازی افغانستان، منهاج فکری گردد.

«فقیری»